

توبه رفسنجانی از فراخوان تروریستی خود



دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۸ برابر با ۱۵ مه ۱۹۸۹
بها ۶۰۰ ریال - سال ششم - شماره ۲۵۷

نه، در بیرون پنج تا آمریکایی را، یا انگلیسی را، یا فرانسوی را بکشند، اعدام بکنند، این قتلها را تکرار نمی کنند. اینها، آمریکایی کشتن و فرانسوی کشتن که مشکل نیست. اسرائیلی کشتن یک مقداری مشکل است. اسرائیلی ها نیستند، آمریکایی ها ریخته اند در سراسر دنیا. همه شان هم مثل هم اند... به خدا اگر شما از امروز اعلام کنید که از این به بعد همه منافع آمریکا را در سراسر دنیا به خطر می اندازید، هواپیما می ربايید، نترسید، بله می ربايید. چطور او خانه را به سر همه خراب می کند و حشمت ندارد. یک مهاجر فلسطینی هواپیما را بردارد بگوید زندانی مرا آزاد کنید من این را آزاد می کنم... امروز آدم یک سنگی توی دستش باشه پرتاب بکنه، همین جوری پرتاب بکنه لااقل پنجاه درصدش به اینها می خوره... حالا خواهند گفت که فلانی به عنوان یک مسئول، یک رئیس پارلمان، مقام رسمی دعوت به ترور و اینها کرده. این از فردا شروع می شود این تبلیغات بقیه در صفحه ۳

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خمینی یک هفته پس از صدور فتوای تروریستی و ارائه رهنمود به فلسطینی ها دایر بر کشتار اهالی کشورهای قریبی حامی اسرائیل، در یک مصاحبه مطبوعاتی به رفع و رجوع و توجیه سخنان خود در این زمینه پرداخت و اظهار داشت "با شتاب زدگی به صحبت های من برخورد شده است." او روز ۱۵ اردیبهشت طی یک سخنرانی خطاب به فلسطینی ها رهنمود داده بود که: "اگر در برابر هر فلسطینی که امروز در فلسطین شهید می شود اینها در بیرون، در داخل فلسطین

هشدار سازمان عفو بین الملل

۲۹ نفر دیگر از زندانیان سیاسی در خطر مرگ

سازمان عفو بین الملل تاکنون اسامی ۱۷۰۰ نفر از قربانیان اخیر کشتارهای جمعی در زندانهای جمهوری آسمی را منتشر کرده است. در اطلاعیه این سازمان گفته شده است که برخی از قربانیان کسانی بوده اند که مدت محکومیت آنها به پایان رسیده و یا حتی از زندان آزاد شده بودند و بعد از آزادی مجددا دستگیر شده و به قتل رسیده اند.

سازمان عفو بین الملل "امنستی انترناسیونال" طی بیانیه ای اعلام کرد که حداقل ۲۹ نفر دیگر از زندانیان سیاسی ایران در خطر مرگ قرار دارد. این سازمان در بیانیه خود اظهار کرد حتی ممکن است که اکثر افراد فوق تاکنون اعدام شده باشند. در میان این افراد اسامی تعدادی از زنان زندانی نیز دیده می شود.

اعدام فدائیان خلق
سیاوش شکوهی
و
بهمن باقری زاده

محکومیت جمهوری اسلامی توسط سازمان جهانی نویسندگان

خواسته شده است که هر چه زودتر به بازداشت شکنجه و آزار نویسندگان، شعرا و روزنامه نگاران پایان داده و همه زندانیانی را که به این جرم دستگیر شده اند آزاد نمایند. همراه با ایران، ترکیه نیز از جمله کشورهایی است که به خاطر نقض آشکار حق آزادی بیان و قلم محکوم شده است.

سازمان جهانی نویسندگان، شعرا و روزنامه نگاران موسوم به PEN (قلم) حکومت اسلامی و هشت کشور دیگر جهان را به علت بد رفتاری، بازداشت و شکنجه نویسندگان و شعرا و پایمال کردن حق آزادی قلم و بیان محکوم نمود. در گزارش سالیانه "PEN" که در آن از موارد نقض حق آزادی بیان و دستگیری و شکنجه نویسندگان نام برده شده است، از این کشورها

دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین
در صفحه ۱۲
"قایق های توپدار" بوش در یاناما
در صفحه ۱۲
تجربه ای تلخ اما پر بار
در صفحه ۸

تهیه نان

عشکلی دیگر از مشکلات بی شمار مردم



صف های طولیل مردم در برابر نانوايي ها، کیفیت نامرغوب و کوچک تر شدن تدریجی نان از مشکلاتی است که سالهاست مردم و بویژه مردم کم درآمد ایران با آن دست به گریبانند. با وجود این، این روزها تهیه نان به عنوان یک مشکل، به طور برجسته تری مطرح شده است.

اگرچه بهای نان به طور غیر رسمی، یعنی با کوچک تر شدن و کم وزن تر شدن تدریجی آن، در حال افزایش است، اما این افزایش در مقایسه با رشد سرسام آور قیمت سایر مواد غذایی چیزی نیست که بقیه در صفحه ۳

اعدام فدائیان خلق سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده

اطلاع یافتیم که در موج کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم تبعکار خمینی دو تن دیگر از فدائیان خلق، رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده نیز به شهادت رسیده‌اند. جمهوری اسلامی از نیمه تابستان گذشته تاکنون چندین

هزار تن از فرزندان اسیر خلق را به چوبه‌دار آویخت و آماج تیر کرد. نام بخش بزرگی از قربانیان این جنایت هولناک و ددمنشانه هنوز آشکار نشده است. تاکنون نام قریب ۷۶۵ تن از قربانیان قتل عام زندانیان سیاسی توسط سازمان ما جمع‌آوری و منتشر شده است. از

این تعداد، ۱۵۱ تن از اعضای کادرها و رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بوده‌اند که آماج کین بهیمی رژیم ملایان قرار گرفته‌اند. اکنون نام رفقای شهید سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده در این لوح جای دارد. زندگینامه این فدائیان طهران را هنوز در

اختیار نداریم. به مناسبت اعدام رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده از سوی واحدی از فدائیان خلق در داخل کشور اعلامیه‌ای منتشر شده است که کلیشه آن را در زیر ملاحظه می‌کنید:

به خاطر مرگ آن کس، که
برای صلح مبارزه می‌کرد

بر تولد برشت

آنکه تسلیم نشد

نابود شده است.

و آنکه نابود شد،

خود را تسلیم نکرده بود.

دهان هشدار دهنده

پراز خاک شد،

وماجرای خونین،

آغاز.

بر مزار رفیق صلح

فوج سربازان پای می‌کوبد

پس آیا مبارزه بیهوده بود؟

اما، مبارزی که نابود شد

به تنهایی نمی‌جنگید

و دشمن، هنوز

پیروز نشده است.

بمناسبت خبر تکان دهنده اعدام رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده

هم میهنان!

کارگران و زحمتکشان! آزادیخواهان!

رژیم سفاک خمینی طی چند ماه اخیر هزاران زندانی سیاسی را قتل عام کرد. تمام دنیا علیه این جنایات به تکان آمده است و در کشور همزای ملی برپاست.

رژیم خونریز خمینی دوبار صدیق زحمتکشان، دورزننده جوان فدائیس

رفقا سیاوش شکوهی و بهمن باقری زاده از جبهه‌های سرشناس و ورزشی همراه با شعار دیگران از فعالان جنبش انقلابی را در دزدانه و بنه‌ای به شهادت رساند، سیاوش و بهمن را به جرم "نه"

گفتن تمبرها را کردند. آنها جریم نداشتند. مقاومت و ایستادگی این رفقا در مقابل شکنجه و

وحشیانه زندانبانان خمینی، در راه بهروزی مردم ایران، در زخمیمان خمینی را به حیرت

واداشت. وقتی از رفیق سیاوش می‌پرسند "بیدی چه به روزت آوردند" با دهانی خونین

و پیکری در هم شکسته از ضرب و شتم جلادان و با سری افراشته میگوید "مهم نیست من

این سختها را تحمل می‌کنم تا دیگران سرنوشت بهتری داشته باشند." و رفیق بهمن در

مقابل این سؤال باز جویان جلاد که "تو هنوز هم فدائی هستی" فریاد می‌زند

"آین من یک فدائیسگی اکثریت هستم" یاد این رفقا گرامی و رکشان بهر رهبرها

هم میهنان مبارز! خون فدائیان خلق، تودم‌ایها، مجاهدین خلق، فعالان راه کارگر

میهن پرستن کرد. شخصیت‌های آزادیخواه و حتی عناصری از محافل مخالف وابسته به حکومت

بدست یک جلاد ریخته میشود. تنها به نیروی متحد مردم و فقط به نیروی اتحاد همه

آزادیخواهان و نیروهای انقلابی دمکراتیک و ترقیخواه میهن است که می‌توان این رژیم

را سرنگون کرد و راه بهروزی و آزادی مردم ایران را گشود.

گرامی باد خاطره تابناک همه شهیدان خلق

درد پرزندانان سیاسی طهران میهن

مرگ بر رژیم خمینی

فدائیان اکثریت

توبه رفسنجانی از فراخوان تروریستی خود

بقیه از صفحه اول

بگذارید بگویند این را، " ده روز بعد در روز ۲۵ اردیبهشت هاشمی رفسنجانی ظاهراً توبه کرد و به پس گرفتن سخنان ۱۵ اردیبهشت خود پرداخت و گفت: "حرف‌هایی که من زدم تحلیل خودم بود، نظریه‌ای را ابراز کردم که جنبه تحلیلی داشت و تازگی ندارد و سالهاست که بیان شده... البته شاید من به گونه‌ای بوده‌ام که آنها از آن توصیه فهمیدند شاید هم لحن توصیه‌گونه بود، ولی من نظر تحلیل‌گونه دارم."

هاشمی رفسنجانی در تنگنای سختی گیر کرده است. تناقض تناقض منافع لحظه در جنگ قدرت و لزوم میان‌رومایی برای کسب و حفظ قدرت، تناقض ضرورت نمایاندن خود به عنوان پراگماتیست و میان‌رو با منفعت فالانژنمایی در مقابل رقبای فالانژتر از خود. رفسنجانی که از دیرباز با بندبازی و فرصت‌طلبی آخوندی می‌کوشید با گرفتن زُست میان‌روی در چارچوب معیارهای جمهوری اسلامی خود را به عنوان هنصری سیاسی و قابل اتکا در چشم کشورهای غربی و هنصری با توانایی تشخیص مصلحت به تکنوکرات‌های حکومتی و غیرحکومتی بنمایاند، پس از برکناری منتظری و طرح تغییرات قانون اساسی خود را محتاج دید که جناح بنیادگراتر از خود در حکومت را خلع سلاح و خلع شعار کند، او که مخالفت با روابط پنهانی

با غرب، طرفداری از اقتصاد درهای باز و "مصلحت‌گرایی" را از شعارهای جناح نیرومند رقیب، جناح سید احمد خمینی، محتشمی، خوئینی‌ها، کروبی و... می‌دید، به تاکتیک امام خود به هنگام صدور حکم اهدام سلمان رشدی متوسل شد. همانگونه که فاینشال‌تایمز نوشته است: موضع‌گیری اخیر رفسنجانی نه یک روش جدید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی که مربوط به جاه‌طلبی و فرصت‌طلبی وی برای جانشینی خمینی است.

اما رئیس مجلس خمینی در هریده‌کشی‌هایش یک پرده بالاتر گرفت. تزلزل نظام جمهوری اسلامی به حدی است که بی‌احتیاطی‌های وی حتی مورد اعتراض حزب الهی‌ترهای حکومتی نیز قرار گرفت. احتمالاً شخص خمینی نیز به‌وی در مورد دراز کردن پا بیرون از گلیم خود هشدار داده است. این عوامل به اضافه تشخیص رفسنجانی مبنی بر نیاز به حفظ سرپل‌های ایجاد شده و حفظ چهره "معقول" او را به توبه کشاند. توبه از آنچه که ده روز قبل از آن به صراحت بیان داشته بود. اما در همین توبه هم او نتوانست طینت تروریستی خود و رژیمش را پنهان دارد. رفسنجانی در سخنرانی مزبور خود گفت: "اگر معنایش این باشد که منجر می‌شود که شهروندان عادی را بکشند بله من نظرم این است که چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد اما اگر معنایش این باشد که من توصیه می‌کنم این کار را بکنند نه من و آنجا توصیه نمی‌کنم."

تهیه نان مشکلی دیگر از مشکلات بی‌شمار مردم

بقیه از صفحه اول

خود به تنهایی امروزه به عنوان مشکلی جدید بتواند مطرح گردد. سالهاست آرد نامرغوب بین نانواهایی که توزیع می‌شود و سالهاست به سبب همین آردهای نامرغوب، مردم مجبورند "نان خمیر" یا سوخته بخزند، اما این روزها مسئولین امر با اشاره هرچند مختصر به این مسئله می‌کوشند با تاکید بر توزیع "آرد نامرغوب و غیر استاندارد" این امید را به مردم بدهند که به "اهمیت" این مسئولین و با بالابردن کیفیت آرد مشکل را می‌توانند تاحدی حل کنند. با این همه، برای اینکه از مسئولیت اصلی این مشکل شانه خالی کنند، تقصیر اصلی را به گردن نانواها می‌اندازند که نان سوخته یا خمیر به مردم عرضه می‌کنند.

حسین طاهری، استاندار تهران در مصاحبه کوتاهی در کیهان ۱۱ اردیبهشت پس از اشاره مختصر به توزیع آرد نامرغوب و مشکلات حمل و نقل آرد، یک هلت مشکل امروزه مردم را چنین بیان کرده است:

"بعضی وقتها هم این نارسایی مربوط به نانواها است که در صورت عدم دقت کافی و خمیر کردن به موقع اتفاق می‌افتد. در این مرحله متخلف که نانوا باشد تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد."

و یا اینکه می‌کوشند گناه را به گردن مصرف‌کننده بیاندازند. در روزنامه کیهان ۱۱ اردیبهشت آمده است: "روزانه ۱۶۰۰ تن سمیه نان تهرانی‌هاست که بر اساس یک آمار تقریبی یک سوم

دور ریخته می‌شود." اگرچه نامرغوب بودن کیفیت آرد توزیعی به نانواهایی که باعث پایین آمدن کیفیت نانی است که به دست مردم می‌رسد، اما امروزه بیش از آنکه کیفیت نان مطرح باشد، هلیرقم اظهار نظر روزنامه کیهان کمیت توزیع نان در نانواهایی که برای مردم ایجاد مشکل کرده است. سبب اصلی مشکل امروزه نان را در بالا رفتن مصرف روزانه آن باید جستجو کرد.

وقتی بهای سیب زمینی، خواربار، گوشت و سایر مواد غذایی آنچنان بالا می‌رود که تهیه آن برای بخشی از مردم غیرممکن و برای بخش بزرگی به سختی امکان پذیر است، به ناچار نقش نان در غذای روزانه مردم افزوده می‌گردد و مصرف روزانه نان هر روز بالاتر می‌رود. امروزه، بیش از پیش کمبود نان مطرح شده و صف‌های طولیل مقابل نانواهایی که بیش از پیش طولیل شده است، به هلت مشکل کمبود نان، رعایت بهداشت به هنگام تهیه نان در نانواهایی که از کنترل خارج شده است. مردمی که ساعت‌های طولانی برای دریافت چند گرده نان در صف‌های طولیل انتظار می‌کشند، وقتی موفق به خرید می‌شوند، آن را با هر کیفیتی، هرچند هم فیر بهداشتی تهیه شده باشد، مجبورند بخزند.

مسئولین جمهوری اسلامی با بزرگ کردن اشکالات فرعی امر تهیه نان، مصرف‌کننده و نانواها را معصوم دانسته و برایشان خطونشان می‌کشند. آنها از این راه به هبت می‌کوشند تا از زیر بار مسئولیت اصلی که در ایجاد این مشکل دارند شانه خالی کنند.

گلوله‌ای که شلیک شده است!

خامنه‌ای رئیس جمهور اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی در پکن در روز پنج‌شنبه ضمن دفاع از فتوای تروریستی رفسنجانی اعلام کرد که فرمان قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیات شیطانی" که توسط خمینی صورت گرفته همچنان به قوت خود باقی است و هرگز باطل نخواهد شد. وی افزود: گلوله‌ای که می‌باید به زندگی این فرد کافر پایان دهد شلیک شده و دیر یا زود به هدف اصابت خواهد کرد.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



واگذاری موسسات تولیدی به بخش خصوصی

هفته گذشته در تهران اعلام شد که جمهوری اسلامی قصد دارد همه کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی و بازرگانی را که جنبه استراتژیک ندارند به بخش خصوصی واگذار کند. به همین خاطر حکومت اسلامی طی حکمی به همه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و بانکهای دولتی شده اعلام کرده است که نسبت به فروش سهام کارخانجات و موسسات فوق اقدام نمایند. این سیاست در پی ورشکستگی اقتصادی و افلاس و در ماندگی مالی حکومت اتخاذ شده است.

مجازات اعدام برای چاپ اسکناس قلبی

حکومت اسلامی در پیگیری مشی "اعدام باید گردد" و "نابود باید گردد" به جنگ قاچاقچیان و جعل کنندگان پول پرداخته است؛ به همین دلیل در روز سه شنبه وزیر اقتصاد و دارائی رژیم در یک مصاحبه رادیویی گفت که از این پس اگر کسی اقدام به چاپ اسکناس جعلی نماید و یا به توزیع آن بپردازد و یا دانسته آن را خرج نماید، اعدام خواهد شد. وی در این مصاحبه افزود که تنظیم قانون حکم اعدام برای چاپ کنندگان، واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناسهای جعلی به پیشنهاد وی به تصویب "مجمع تشخیص مصلحت" رسیده و از ماه آینده به اجرا گذاشته خواهد شد.

قانون فوق که توسط کارگزاران مالی رژیم اعلام شده، قبل از هر کس شامل حال خود سردمداران رژیم جمهوری اسلامی می شود که مدتهاست به چاپ و توزیع اسکناسهای بی پشتوانه برای تأمین بودجه ریالی دولت اقدام نموده اند، و از این طریق به دامن زدن تورم در جامعه و سیر روزی مردم کمر همت گماشته اند.

اعلام تاریخ همه پرسی برای "قانون اساسی"

وزیر کشور جمهوری اسلامی، علی اکبر محتشمی در یک مصاحبه در روز پنجشنبه اعلام کرد که در صورت پایان یافتن کار "شورای بازرگانی قانون اساسی" همه پرسی قانون اساسی همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در دهه سوم خرداد ماه امسال برگزار میشود. ضمناً طبق اطلاعیه دبیرخانه شورای "بازنگری قانون اساسی" هشتمین جلسه عمومی این شورا در هصر روز پنجشنبه بریاست مشکینی برگزار گردید. در این جلسه بحث درباره کلیات مسائل رهبری و تمرکز در مدیریت قوه مجریه ادامه یافت و ادامه مذاکرات در این مورد به چهارشنبه هفته آینده موکول گردید. ضمناً جلسه هیئت وزیران، ضمن بحث روی مسائل تمرکز در مدیریت قوه مجریه، پیشنهادات خود را در این زمینه به این شورا ارائه داد.

سفر خامنه‌ای به چین

بر ادامه سیاست مذاکره میان ایران و عراق و پایان بخشیدن به جنگ خلیج و برقراری صلح در منطقه تأکید ورزیده اند. به موجب قراردادی که مابین ایران و چین به امضار رسیده است قرار است که حجم داد و ستد میان دو کشور به ۵۰۰ میلیون دلار برسد. در پایان این دیدار در روز شنبه سلسله توافقاتی برای گسترش همکاری های سیاسی-اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک صورت گرفته است. در دیدار وزرای خارجه ایران و چین سه توافقنامه در زمینه های فرهنگی، تسمیلات بانکی و نفتی و هنرهای فولکلوریک به امضار رسیده است.

همچنین قرار است در ادامه این سفر، خامنه‌ای با هیئت همراه به مدت ۶ روز از کره شمالی دیدن کند. این سفر از تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه آغاز خواهد شد.

خامنه‌ای رئیس جمهور حکومت اسلامی، هصر روز دوشنبه همراه با یک هیئت از مقامات بلندپایه حکومتی جهت یک دیدار رسمی هازم پکن شد. خامنه‌ای هدف از این دیدار را که بدعوت یانگ شونگ کون رئیس جمهوری خلق چین صورت گرفت، تحکیم و گسترش مناسبات میان دو کشور دانست. در این سفر وزرای خارجه و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی خامنه‌ای را همراهی می کنند. گفته می شود که در این سفر مسائل مختلف در زمینه های سیاسی-اقتصادی - فرهنگی و مسائل بین المللی و منطقه‌ای مورد بحث قرار گرفته است. در این دیدار، خامنه‌ای بر مسئله افغانستان تأکید داشته است و ولایتی در دیدار بانضت وزیر چین اعلام کرده است که مادر سیاست خارجی خود جایگاه ویژه‌ای را برای چین قائلیم. ضمناً مقامات چینی

اردبیلی از جلادان اسلامی سپاسگزاری کرد

۵۷۲ نفر رسیده است. در همین رابطه هزاران نفر در طی چهار ماه اخیر توسط مأمورین حکومت اسلامی بازداشت شده و در زندان بسر می برند.

در روز شنبه آخوند نلاحیان معاون وزیر امنیت و اطلاعات خمینی از کشف دو شبکه وابسته به مجاهدین خلق نام برد که افراد این شبکه متهم به جاسوسی و اقدامات خرابکارانه علیه رژیم شده اند. بنا به گفته وی قرار است به زودی افراد این شبکه ها محاکمه و مجازات گردند.

چنانکه از شواهد پیداست جلادان اسلامی همراه با قاچاقچیان، بسیاری از زندانیان سیاسی را نیز به قتل می رسانند. توجه به سخنان اخیر رئیس دیوان عالی حکومت خمینی، روشن می کند که سرنوشت دستگیرشدگان اخیر چه خواهد بود.

رئیس دیوان عالی حکومت اسلامی از جلادان دادگاه های اسلامی بخاطر صدور حکم اعدام صدها تن سپاسگزاری کرد. وی که در مراسم نماز جمعه این هفته تهران سخن میگفت اعلام کرد که دادگاه های رژیم "باید در محاکمه و مجازات مخالفین مسلح و کسانی که به اتهام راهزنی و قاچاق مواد مخدر بازداشت می شوند به هیچ وجه ترحم ننمایند." لازم به تذکر است که جمهوری اسلامی در طی ماه های اخیر صدها تن را به اتهام خرید و فروش مواد مخدر به چوبه دار آویخته است. در طی هفته گذشته بار دیگر در چارچوب "مبارزه با قاچاق مواد مخدر" ۲۹ نفر دیگر در شهرهای شیراز، اصفهان، زاهدان، زابل، کرمان، جیرفت، بم و کهنود در ملاه هام بدار آویخته شدند. با تعداد اعدام شدگان اخیر، شمار اعدامهایی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر صورت گرفته به بیش از



روزنامه های رژیم خبر دادند که از روز ۹ اردیبهشت ۷ هزار بازرسی برای کنترل قیمت ها و اتیکت ها بسیج شده اند. اما قیمت ها تنها اندکی از قیمت بازار سیاه پایین تر است. کنترل قیمت ها تثبیت قیمت های بازار سیاه است.

قدرت‌نمایی حکومت اسلامی در خلیج

حکومت اسلامی از روز یکشنبه اقدام به انجام یک مانور گسترده نظامی در آبهای خلیج فارس و دریای عمان نمود. در این عملیات که چهار روز به طول انجامید و ملک‌زادگان فرمانده نیروی دریایی حکومت، بزرگترین مانور این نیرو بوده است، با هدف به نمایش گذاشتن قدرت نیروی دریایی ارتش حکومت اسلامی صورت گرفته است.

در این عملیات که "ذوالفقار

چهار" نامگذاری شده بود بیش از ۳۰ فروند از ناوشکنهای سبک و سنگین، ناوچه‌های لجستیکی و نیروبر، هواناوها و چندین فروند از هلی‌کوپترهای نیروی دریایی در ضامنگی با نیروی هوایی و زمینی ارتش شرکت داشتند. در روز چهارم و پایانی این مانور رفسنجانی از این قدرت‌نمایی بازدید کرد.

احسان طبری درگذشت

روز شنبه ۲۹ اردیبهشت احسان طبری در بیمارستانی در تهران درگذشت. احسان طبری که از اردیبهشت سال ۱۳۶۲ در زندان جمهوری اسلامی بسر می‌برد، سرانجام در سن ۷۲ سالگی چشم از جهان فرو بست.

احسان طبری ادیب و دانشمند نامی، فردی که مبارزه سیاسی را با گروه ۵۳ نفر و دکتر ارانی آغاز کرد و در کمیته مرکزی حزب توده ایران ادامه داد، در شرایطی همیار و در دانشگاه جان سپرد. در دانشگاه بویژه از این جهت که انسانی بداندگانه در وضعیت اینچنینی بد رود حیات می‌گوید: مسخ شده و درهم شکسته.

اما غیرانسانی و ضد حقیقت است اگر شرایط مرگ و زندگی چندساله اخیر او پرده‌ای بر بیش از ۴۰ سال فعالیت تیربخش فرهنگی و سیاسی‌اش گردد. طبری به عنوان ادیب، پژوهشگر و اندیشمندی مارکسیست جایگاه شایسته‌ای در تاریخ فرهنگ معاصر کشور ما دارد. آثار ادبی و نوشته‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی وی و بویژه جوهر انسانی نوشته‌هایش میراث گرانبهایی به شمار می‌آید. انسان و خوشبختی او محور و محتوای اصلی اندیشه و آثار طبری را تشکیل می‌دهد. برای او اندیشه علمی، مبارزه و سوسیالیسم تنها وسایل دستیابی به سعادت هستند. او قدرتی عظیم در تصویر احساسات پاک و آرزوهای انسان مبارز برای زندگی بهتر داشت.

طبری می‌گفت: "خواستم انسان باشم و دو سپاه را بر خویش برانگیختم: ستم و نادانی و آتش را از دو سنگر بر خویش گشودم. آشنا و بیگانه، چنگال ددان نداشتم. منقار کرکسان نداشتم. با نیش کینه نبودم. با خرابی سنگ نبودم. از نورد گریختن نخواستم. با نامرد آمیختم نجستم. بند حقیقت پایگیرم شده صور سر نوشت ازیرم شد. بکوب ای طلال که دوران چرخش است: گردباد خون پر خاک، طوفان نوح در روح. رزمی است که رستمانش بایستی. بصری است که سندانانش شایستی و من شراهم در این کولاک ناچیز است... ولی سیمرف را بالا از پرواز است."

او سیمای انسان "قهرمان عصر ما و همه اعصار" را تصویر کرده بود: "کار، بیکار، آفرینش - اینجاست کلیدهای تکامل... انسانی کوشا، دانا، هنرمند، رزمنده، بیزار

از تبلی، گریزان از جهالت، هاری از بی‌ذوقی، متغیر از تسلیم و رضا..."

انسان مورد نظر او انسان تاریخی است. همان انسان آگاهی که به سوی فراز رهایی از تنگنای "بیولوژیک و سوسیولوژیک" بالا می‌رود. راه طولانی است و پراز ستیغ و فراز و نشیب، مملو از دشواری‌ها، کامیابی‌ها و شکست‌ها! انسان گهگاه به تامل می‌پردازد: "رزمی است که رستمانش بایستی" آیا راه دیگری نیز هست؟

بدون تردید نه! انسان دوران ما ماهیت و محتوای خویش، تعریف خویش را در این راه پرپیچ و خم می‌یابد و نه جز این.

طبری سال‌ها قبل گفته بود: "انسان موجود دوگانه‌ایست: خوارترین و سرافرازترین، ناتوان‌ترین و نیرومندترین ولی انسان می‌تواند همیشه از نوع دوم باشد، به شرط آن که در پایگاه انسانی خود بایستد، ابدیت واقعی در ابدیت حیات انسانی است."

سال‌ها رهسپاری فراز و نودن را می‌توان در ثانیه‌ها به ژرفا بازگشت. آری برای رسیدن به فراز افتخار، انسانیت و تکامل، راه بسیار دشوار است، زمانی دراز نیاز است و همت نیرومند. اما برای رسیدن به ژرفا... و باید افزود که این ارزش‌گذاری خشن و واقعی را باید با نگرشی همومی و تاریخی تکمیل کرد.

او بارها به آن لحظه دشوار تصمیم‌گیری بر سر دوراهی مرگ و زندگی که هر مبارزی را به خود مشغول می‌دارد، اندیشیده و به درستی گفته بود: "پیش‌از آنکه در راه وظایف و فضایل انسانی پیوسته یکی از زیباترین و عالی‌ترین اقدام حیاتی یک انسان است. این فضیلت ویژه قهرمانان تاریخ است." او خود منطق تاریخ بود: "آیندگان یک نکته را فراموش نخواهند کرد و آن اینکه من و تو در این سیر عظیم تاریخ از یاران کاوه آهنگر بودیم یا از سپاهیان ضحاک ستمگر."

طبری هر چند در لحظه تاریخ‌ساز زندگی‌اش، آنجا که می‌بایست عالی‌ترین اقدام حیاتی انسان را به‌کار گیرد، فروریخت. اما این قضاوت آیندگان را نیز با خود به‌همراه دارد که در بخش اعظم زندگی خویش از یاران کاوه آهنگر بوده‌است.

کیمیا

۵ اردیبهشت

آی کیفم!

چند روز پیش نزدیک به ۲ ساعت در صف نان ایستاده بودم که تا نوبت بمن رسید نان تمام شد. همین‌طور حصانی و با دست خالی که عازم خانه بودم یک دلمه سر و صدائی توجه مرا جلب کرد تا بدان حد که بی‌نانی را فراموش کرده همچون سایرین به‌ماشای پرداختم که به‌بینم عاقبت کار چه می‌شود. ظاهراً قضیه این بود که فردی یقه دیگری را چسبیده و داد می‌زد پدرسوخته تو اول شروع کردی و یقه مرا گرفتی دومی هم ضعیف می‌داد و می‌گفت پدرسوخته تو خودت اول شروع کردی. ماجرا با ادامه فعاشی همچنان ادامه داشت و هر لحظه هر تعداد تماشاچی به‌کار و به‌بار و بی‌نان اضافه می‌شد که عاقبت چند نفر ریش سفیدی کرده، آندو را آشتی دادند و آندو با پوزش از مردم سر به‌محل را ترک کردند. لحظاتی بعد فریاد آی پولمه آی کیفم، مردم بدبخت شدم، آی دزد بلند شد. نتیجتاً همه بدروغ بودن آن دعوا پی‌بردند ولی دیگر دیر شده بود. غرض از بیان آن حادثه مرا بیاد مبارزه با گرانی انداخته البته با گذشته کاری ندارم و به‌بین بر نامه جدید مبارزه با گرانی اکتفا می‌کنم بشرط اینکه در قضاوت حمله نفرمائید. تفریب‌ها از دو هفته پیش دولت معتزانه به محکمرین و گران‌فروشان پیشنهاد دولت می‌دهد و فرصت کافی هم می‌دهد که بخود آیند و تا می‌توانند اجناس بدردیخور را مخفی و روی اجناس بنجل آتیکت بزنند و الا... من و آلاجمال ساده دل و خوش‌یاور هم بوجد می‌آئیم که این‌بار شندرغاز حقوق ما با ارزان شدن چند روزی بهتر دوام می‌آورد. اما حقیقت چیز دیگری بود. چرا که در بیستم فروردین عملاً دیدیم مهلت داده شده که بسود هر دو طرف بوده و نه بنفع ما مستغنیین واقعی. چرا که دولت در این فرصت ابتدا خود به گران کردن سیگار، تمبر و امور پستی، روغن نباتی و غیره پرداخت و هم‌زمان محکمرین هم به مخفی کردن موجودی و بستن فروشگاه و حجره پرداختند در این میان فقط خیار پلاسیده و پرتقال گسندیده و لباس‌های بیدزده بنرخ ارزان فراوان شد. تجسم آن ماجرا مرا وادار بنوشتن کرد زیرا دولت بگران‌فروشان می‌گوید پدرسوخته‌ها اول شما گران کردید که من ناچار شدم برای مبارزه با بازارسپاه قیمت‌ها را بالا ببرم، خجالت هم خوب چیزی است. محکمرین هم می‌گویند پدرسولاتی تو اگر پیشقدم در گرانی نبودی که ما هم جری نمی‌شدیم مسابقه را ادامه بدهیم که ناگهان فریاد مردم بگوشم طنین‌انگن شد. آی پولمه آی کیفم، آخ چکنمه، وای به‌چاره شدم.

گر سنگی



اثر کته کولویتس

تعطیل قدیمی ترین نشریه کارگری جهان

ناسیونال اول همچون کارل لیبکنشت پایه‌گذاری شد، تا امروز به انتشار منظم خود ادامه داده بود. دلیل رهبری حزب سوسیال‌دمکرات آلمان خودکفا نبودن این نشریه که تیراژ آن ۶۴ هزار نسخه بود، اعلام شده است.

نشریه "فورورترس" (به پیش) ارگان تئوریک حزب سوسیال‌دمکرات آلمان که ۱۱۳ سال عمر دارد، پس از کشاکش‌های فراوان میان رهبری حزب و اعضای آن با تصمیم رهبری حزب تعطیل شد. این نشریه که توسط سوسیال‌دمکرات‌های برجسته‌انتر-

افتتاح مالی در دولت ژاپن

تاکشیتا در سال ۱۹۸۷ در یک هتل لوکس توکیو یک میهمانی عظیم برگزار کرد که بلیطورودی آن به‌بهای ۴۳۰ مارک فروش رفت. ۱۳ هزار نفر از طرفداران او در این میهمانی شرکت کردند. فراتر از آن ۶ هزار کارت ورودی به فروش رفته بود که مبلغی حدود ۲۸/۵ میلیون مارک نصیب برگزارکنندگان آن ساخت. این کمک‌های مالی مخفیانه "به اظهار روزنامه لیبرال آشایی شیم بون" سودی بیش از ۱۶ میلیون مارک به ارمغان آورد.

افتتاح عظیمی که مامعاست افکار عمومی ژاپن را به خود مشغول داشته است، همواره ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند. ابتدا ماجرای دریافت رشوه ده‌هزار نفر از سیاستمداران از کنسرن فول‌پیکر رکرویت سروصدای فراوانی برپا کرد. اکنون پای نوبورو تاکشیتا نخست‌وزیر ژاپن نیز به میان آمده است. او برای مبارزه انتخاباتی خود برای نخست‌وزیری مبلغی حدود ۲۰ میلیون یین (۳۸۵ هزار مارک) از کنسرن نامبرده دریافت کرده است.

گفته‌ها

فتحعلیشاه و ملک الشعرا صبا

روزی ملک الشعرا صبا در خلوت فتحعلیشاه بحضور نشسته بود. فتحعلیشاه که گاهی شعر می‌گفت یکی از اشعار سست خود را برای ملک الشعرا با آه و تاب بسیار خواند و از او نظر خواست. ملک الشعرا مرد بسیار زیرک و رک‌گویی بود. در جواب گفت بیت سستی است. حضرت خاقان مغان بهتر که شهریار می‌کنند و شاعری را کنار بگذارند. فتحعلیشاه از این جواب سخت متفیر شد و دستور داد ملک را در سر طویل زندانی کنند. مدتی از این قضیه گذشت تا روزی دومرتبه، فتحعلیشاه یکی از شعرهای خود را برای ملک الشعرا خواند و از او نظر خواست ولی ملک الشعرا بی آنکه پاسخی گوید سر خود بزیر افکنده از اتاق بیرون رفت. فتحعلیشاه پرسید ملک الشعرا به کجا می‌روی؟ گفت تربان به سر طویل.

شیخ زنگوله به پا

یکی از شیخان ریایی و دغلباز، شیخی بوده است که در موقع راه رفتن به مردوپای خود زنگوله می‌بست و در کوچه و خیابان راه می‌رفته است. کسی از او می‌پرسد یا شیخ! منظور از این عمل چیست و چرا زنگوله به پاهای خود می‌بندی؟ می‌گوید: مومن! می‌خواهم مورانی که در کوی و برزن‌ها راه می‌روند قبلاً خبردار گردند و زیر پایم له و لورده نشوند!

عطایش را به لقایش بخشیدم

درویشی را ضرورتی پیش‌آمد. کسی گفتش: فلان، نعمت بی‌قیاس دارد اگر بر حاجت تو واقف گردد، هر آینه در قضای آن توقف روا ندارد. گفت: من او را ندانم. گفت: منت رهبری کنم. دستش بگرفت و نزد آن شخص برد. وی را دید لب فروخته و تند نشسته، برگشت و سخن نگفت. پرسیدندش که چرا چیزی نگفتی؟ گفت: عطایش را به لقایش بخشیدم.

یابوی لادن

از کسی پرسیدند این شعر سعدی چه معنی دارد؟ - این نکمت دهان تو؟ یا، بوی لادن است. گفت لادن شهریبست که در آنجا یابوهای تندرو مثل

باخر، زی

سیف باخرزی از فضلا و شعر است. شخصی این دوبیت به ظرافت برای او فرستاد: ای خردمند، سیف باخرزی بالله! تو به ارزشی آرزوی کی تو با آدمی توانی زیست چون ترا گفته اند باخرزی او در جواب نوشت: ای خردمند، طاعت من کن تا کی آخر تو مصیبت ورزی زین سپس، هم با تو سر بکنم چون مرا گفته اند باخرزی

در آمریکا در هر ۴ دقیقه ...

درباره فیلم "متهم" The Accused

جامعه انگشت گذارده، برزخم چرکین نیشتر می زند. در این فیلم آن عناصر فرهنگی به زیر ضرب گرفته می شوند که اساس روابط میان انسان ها، میان زنان و مردان، و پایه بسیاری از قوانین جزایی را تشکیل می دهند. در این فیلم "تابو" وجود ندارد. فیلم با این سطور پایان می یابد: "در ایالات متحده آمریکا هر ۴ دقیقه یک تجاوز جنسی صورت می گیرد..." البته در این آمار از قام تجاوز جنسی در خانواده، فامیل و توسط همسر منظور نیستند. در آلمان فدرال وضع بهتر است. در آنجا هر ۶ دقیقه چنین جنایتی اتفاق می افتد.

با محکومیت سنگین تر متجاوزان و محکومیت تماشاگران و مشوقان این جنایت پایان می یابد. سارا راضی است. جودی هوستر به خاطر بازی در این فیلم جایزه اسکار "بهترین بازیگر زن" را دریافت کرد. بازیگری درخشان او تماشاگر را به خود می کشد. او را در احساسات و درگیری های روانی شرکت داده از حالت تماشاگر بی تفاوت در می آورد. در اینجا او مجبور به بازگشت به خویش است و باید با خود تصفیه حساب کند. برای تماشاگر راه خروج نمی گذارد. جانانان کاپلان کارگردان فیلم در این فیلم بر نقاطی حساس از فرهنگ حاکم مردسالاری در

نیرومند. او در این جریان پس از سازش با وکلای مدافع دچار درگیری های روحی گشته است. کارگردان تماشاگر را به این درگیری های روحی سارا و دادستان می کشد. دادستان در تلاش جبران بر می آید. ولی حکم صادر شده است. او سرانجام موفق می شود با استناد به بندهایی از قانون جزایی آنهایی را که تماشاگر منفعل و یا مشوق این جنایت بوده اند، نیز به دادگاه بکشد. سارا به او اعتماد ندارد و او را از خانه اش بیرون می اندازد. دادستان در این روند با روسای خویش نیز درگیر می شود. آنها به او می گویند که او آینده درخشانی دارد و نباید آن را به بازی بگیرد.

در شهری کوچک، جایی در آمریکا، سارا در یک بار مورد تجاوز چند نفر قرار می گیرد. متجاوزان به دادگاه کشیده می شوند. وکلای مدافع حضور دارند. دادستان که شاکای اصلی است، با وکلای مدافع توافق می کند. جرم از "تجاوز" به "کاربرد خشونت" تخفیف می یابد. شاهی نیز وجود ندارد. از میان بیش از ۱۰ نفر که در بار حضور داشته اند، ظاهراً کسی چیزی ندیده است. صاحب بار که می خواهد مشتریان خود را نگاه دارد، سرش به کار گرم بوده و متوجه هیچ چیزی نشده است! حتی سالی دوست سارا که در آنجا کار می کند، برای آن که بیکار نشود نیز متوجه هیچ چیز فریبی نشده است. متهمان به مدتی کوتاه زندان و جریمه نقدی محکوم می شوند. سارا بر جای باقی می ماند. سارا دختری است هادی، مثل خیلی های دیگر، در یک رستوران کوچک کار می کند. روز واقعه پس از یک درگیری لفظی با دوستش، برای دیدن سالی به آن بار می رود تا با او در ددل کند.

دادگاه تشکیل می شود. وکلای مدافع "خوب و مجرب"، از همان تماشایی که خوب بلدند روز را شب جلوه دهند، حضور دارند. سارا این بار به عنوان شاهد فراخوانده می شود. وکلای مدافع بر او می تازند:

"مگر شما در آن شب مست نبودید؟ مگر شما تحت تاثیر ماری جوانا نبودید؟ مگر دامن شما خیلی کوتاه نبود؟ در مورد شما حرف های خوبی نمی زنند. شما در فلان سال در زندان بوده اید، شما... سارا زیر بمباران وکلای مدافع قرار دارد.

حضرات متهم افراد آبرومند جامعه و دارای اسم و رسم هستند. سارا دختری بی سرو پا است. به شهادت او نیز نمی توان اعتماد کرد. "از کجا معلوم که تجاوزی صورت گرفته است؟ شما تحت تاثیر الکل و ماری جوانا همه این ها را در تخیل ساخته اید. آیا شاهی دارید که به نفع شما شهادت بدهد؟" سارا پاسخی ندارد. با تحقیقات دادستان دانشجوی جوانی شناسایی می شود که خود در آن شب نظاره گر بوده است. صمیمی ترین دوست او در میان متجاوزان است و او اکنون دچار هذاب وجدان است. سارا با او روبرو می شود. او باید تصمیم بگیرد و سرانجام به نفع سارا شهادت می دهد. محاکمه جنجالی

قدرت فیلم و بازیگری جودی فوستر در تصویر نیرومند احساسات سارا است. این احساسات متعلق به یک انسان استثنایی نیستند، بلکه در یک انسان هادی وجود دارند. به طوری که تماشاگر می تواند هویت خود را در این احساسات بیابد. پس از این جنایت سارا در شرایط روحی دشواری به سر می برد. از همه مردمان آنهایی که بازبان زور سخن می گویند و بدان می بالند، نفرت دارد. در جنگلی بی قانون به نام آمریکا بی پناه مانده است. او از پیچ و خم های قانونی سردر نمی آورد ولی حیرت او در آنجا به اوج خود می رسد که می فهمد او نمی تواند به عنوان شاکای اصلی از متجاوزان شکایت کند. بر اساس قوانین آمریکا (و برخی کشورهای اروپایی غربی) در مواردی چون تجاوز جنسی، شاکای اصلی دادستان است و او تنها به عنوان شاهد ماجرا و حداکثر شاکای جنبی مطرح است. دادستان (کلی مک گیلیس) زنی است ظاهراً با اعتماد به نفس و

"قایق های توپدار" بوش در پاناما

بقیه از صفحه ۱۲

دولت آمریکا با وجود تلاش بسیار تاکنون موفق به کسب تأیید سیاست خود از جانب کشورهای آمریکای لاتین نشده است. وزیران خارجه کشورهای آرژانتین، برزیل، کلمبیا، مکزیک، پرو، اروگوئه و ونزوئلا هر گونه دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای را محکوم کردند و از آمریکا رهایت قرارداد ۱۹۷۷ مبنی بر استرداد کانال پاناما به این کشور را خواستار شدند.

این زدوخوردها حد اقل ۳ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی گردیدند. طرفداران اپوزیسیون راست ADOC با راهپیمایی ها و اقدامات تحریک آمیز باعث درگیری با نیروهای انتظامی و شبه نظامیان "گارد افتخار" شدند. بر اساس تفسیر تلویزیون پاناما چنین حرکتی برای دادن دست آویز به آمریکا جهت دخالت مستقیم در پاناما انجام گرفتند. باید افزود نیروهای انتظامی و شبه نظامیان "گارد افتخار" نیز با خشونت و اقدامات غیرقابل پذیرش به تظاهرات نیروهای اپوزیسیون حمله کرده و جمعی از آنان را منجمله کیلر مواندارا، کاندیدای ریاست جمهوری را مصدوم و مجروح کردند.

درگیری ها زمانی شدت یافتند که کمیته ملی انتخابات نتایج انتخابات برگزار شده را باطل اعلام کرد. بر اساس استدلال این ارگان "بی نظمی ها و حرکتات غیرقانونی" وسیعی در جریان انتخابات صورت گرفته اند.

داریل اسپینو، رهبر حزب دمکرات انقلابی حاکم تلاش های دولت آمریکا برای روی کار آوردن حکومت مورد نظر خود در پاناما را محکوم کرد. او گفت: "رئیس جمهور بوش در حمل به ما اعلام جنگ داده است."

با دقت بیشتر بر تحولات پاناما و سیاست تجاوزکارانه آمریکا می توان به تدریج رگه هایی از سیاست خارجی دولت آمریکا (که هنوز به طور رسمی توسط بوش اعلام نشده است) را مشاهده کرد. این سیاست دنباله سیاست دولت آمریکا در اواخر ریاست جمهوری رونالد ریگان نیست، بلکه سیاستی است که ریگان در اوایل ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۰ در پیش گرفته بود. همان سیاستی که بی شرمانه به جزیره کوچک گرانادا حمله کرد و حکومت دست نشانده خود را بر سر کار آورد. اما صرف نظر از تمایلات دولت آمریکا باید یادآور این حقیقت شد که دنیا دیگر آن دنیای سال ۱۹۸۰ نیست. زیر هکس: صحنه ای از دو خوردها در پاناما سیتی پس از انتخابات.

روابط میان حزب کمونیست یوگسلاوی و حزب کمونیست شوروی در سال‌های ۱۹۴۸ الی ۱۹۵۳

تجربه‌ای تلخ اما پربار

نوشته یوری گیرنکو، کاندیدای علوم تاریخ، ترجمه از مسایل صلح و سوسیالیسم، شماره ۲، فوریه ۱۹۸۹

تسویک "عضو دفتر سیاسی و وزیر مالی - از سوی یوگسلاوی سفیر شوروی را در جریان مباحثی که پیرامون ملاقات مسکو صورت گرفت، قرار داد. ک. بوف، دانشمند ایتالیایی نیز میگوید "استالین به وسیله سر تن تسویک که در جلسه حضور داشت - از جریان حوادث اطلاع یافت و به همین جهت همه مشاوران نظامی و غیرنظامی از یوگسلاوی فراخوانده شدند."

حکومت شوروی تصمیم خود را چنین مدلل کرد که مشاوران با "رفتارهای دشمنانه‌ای" احاطه شده‌اند.

خواهش تیتو مبنی بر اینکه هلل واقعی این رویه توضیح داده شود در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۴۸ به اطلاع مولوتوف رسید. استالین و مولوتوف در واکنش به آن در تاریخ ۲۷ مارس نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی ح. ک. ی. ارسال کردند. آنطور که نامه خود آنها میکند "هواملی که در حکومت شوروی و ح. ک. ی. ش. (ب) ایجاد نارضایتی کرده و به وخامت روابط میان اتحاد شوروی و یوگسلاوی منجر شده‌اند، توضیح داده شدند." در این نامه عوامل مزبور از جمله چنین عنوان میشود: "اظهارات مخفی و پشت پرده ضد شوروی درباره تغییر ماهیت ح. ک. ی. ش. (ب) و درباره شوونیسم خود بزرگبیتانه در سیاست اتحاد شوروی به شیوه تروتسکی؛ موقعیتی نیمه قانونی در ح. ک. ی. که اثری از دموکراسی درون حزبی و انتقاد و انتقاد از خود قابل لمس نیست و بنابراین نمیتوان تشکیلات چنین حزبی را مارکسیستی - لنینستی و بلشویکی - ارزیابی کرد؛ فقدان روح مبارزه طبقاتی در ح. ک. ی. و حل شدن آن در جبهه خلق؛ افزایش عناصر سرمایه‌داری در شهر و روستا با حمایت از تئوری اپورتونیستی و گنبدیده گذار مسالمت آمیز عناصر سرمایه‌داری به سوسیالیسم که از برنشتاین، فولمار و بوخارین به هاریت گرفته شده است." علاوه بر این نامه گفته شد که "فلیبت"

معاون وزیر خارجه یوگسلاوی جاسوس انگلیس است و به همین خاطر دولت شوروی قادر نیست "به وسیله وزارت خارجه یوگسلاوی مکاتبه آشکاری با دولت یوگسلاوی انجام دهد."

کمیته مرکزی ح. ک. ی. در نشست ۱۲ و ۱۳ آوریل ۱۹۴۸ دریافت جوابیه کمیته مرکزی ح. ک. ی. ش. (ب) را تایید کرد.

به شکلی آمرانه بروز داد. او این گفتگو را بحسن بسیار تند و خشن به پیش برد و نمایندگان یوگسلاوی و بلغارستان را سرزنش کرد که اتحاد شوروی را در برابر یک عمل انجام شده قرار داده‌اند.

کاردلی که هئیت نمایندگی یوگسلاوی را رهبری میکرد گفت "شاید انعقاد قرار داد بلغارستان و یوگسلاوی با عجله صورت گرفته باشد" و در همین حال افزود که طرح قرارداد بموقع به اطلاع اتحاد شوروی رسیده است و بین اتحاد شوروی و یوگسلاوی هیچگونه اختلاف عقیده‌ای در سیاست خارجی وجود ندارد. استالین پاسخ گفت "این حقیقت ندارد. شما اصلاً مشورت نمیکنید" او در رابطه با این نکته از قرار داد که "هر گونه حمله، از جانب هر کس که باشد" تذکر داد که "فقط یک عبارت پرداززی بلند بانگ است که به درد تجهیز دشمن میخورد."

دفتر سیاسی ح. ک. ی. در جلسه وسیع خود در مورخه اول مارس ۱۹۴۸ به گزارش نماینده حزب که از مسکو باز گشته بود پرداخت. کاردلی پیرامون ماهیت ادعاهای ناواردی که استالین مطرح کرد گزارش داد و لحن خشن اظهارات او را در برابر یوگسلاوی بیان کرد. علاوه بر اجلاس اطلاع حاصل شد که مسکو تصمیم گرفته است امضای قرارداد تجاری جدید را تا پایان سال ۱۹۴۸ به تعویق اندازد. بروس تیتو خاطر نشان کرد "روابط میان اتحاد شوروی و یوگسلاوی به بن بست رسیده است" او بعدها گفت "بر ما فشار اقتصادی اعمال میشود. ما باید در برابر این فشار پایداری کنیم. موضوع بر سر استقلال کشور ماست... ما سر بازان روی صفحه شطرنج نیستیم... ما باید منحصراً متکی بر قدرت خود باشیم."

بنابر گفته‌هایی، یکی از شرکت کنندگان این جلسه - "سرتن

بلگراد مستقر شدند. البته میان دو کشور و دو حزب در موارد معینی اختلافات جزئی در عقاید و نقطه نظرات پدید میامد. این اختلافات در بحثهای پایه‌ای و هئیتی، بدون آنکه آنها را به شکل بی‌فایده‌ای بزرگ کنند، حل و فصل میشد و مجموعاً به هیچ وجه اصطکاک جدی پدید نمی‌آورد. این گفته در کتاب تاریخ ح. ک. ی. نیز که در سال ۱۹۸۵ چاپ شد تایید میشود: "با وجودی که تناقضات و سوء تفاهاتی در روابط میان شوروی و یوگسلاوی در دوره قبل از سال ۱۹۴۷ و دوران جنگ هویدا میشدند، در مجموع همکاری دو کشور مبتنی بر برابری حقوق به شکل موفقیت‌آمیزی گسترش میافت."

اما بتدریج در روابط دو حزب و دو کشور نوهی سوظن و رنجیدگی پدید آمد. سپس حوادثی رخ داد که این روابط را بحرانی کرد. یک حادثه مربوط به قرار داد دوستی، همکاری و کمک متقابل میان یوگسلاوی و بلغارستان و اندیشه ایجاد یک اتحادیه اروپای مرکزی و - جنوب شرقی بود. استالین در همان ماه اگوست ۱۹۴۷ ضمن ملاحظه مخالفت‌های دولت بریتانیا با بروس تیتو با اشاره به اینکه سند مزبور قبل از قرار داد صلح با بلغارستان تنظیم شده، آن را جمله‌ای غیر مجاز که قادر است امپریالیسم را به همیلتی تعاجمی تحریک کند تلقی کرده و عدم رضایت خود را نشان داد. "پراودا" ایده اتحادیه را "مسئله ساز و غیر طبیعی" خواند و از آن ناصله گرفت.

استالین بخاطر این گام‌ها که در سیاست خارجی بدون مشورت با او برداشته شد آشکاراً عصبی بود. او به هنگام ملاقاتی که در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۴۸ میان نمایندگان رهبری شوروی، بلغارستان و یوگسلاوی در مسکو انجام گرفت، عدم رضایت خود را

تا سال ۱۹۴۸ مردمی که در جریان مسائل پشت پرده نبودند نمیتوانستند حدس بزنند که روابط میان حزب کمونیست شوروی و حزب کمونیست یوگسلاوی قادر به تبدیل شدن به وضعیتی بحرانیست. هر دو حزب در سالهای جنگ همپیمان بوده‌اند و پس از جنگ باهم رابطه تنگاتنگی داشتند که به وسیله کمک متقابل، اعتماد و همبستگی برادرانه مشخص میشد. اقدام حزب کمونیست یوگسلاوی (ح. ک. ی.) در راه نوسازی اجتماعی کشور در جهت ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی با هلاک زبانی تعقیب میشد. نشریه "بلشویک" در ماه مارس ۱۹۴۶ چنین ارزیابی کرد: "تحولات دمکراتیک در یوگسلاوی که از همان دوران جنبش‌رهایی ملی آغاز شد، بیش از سایر کشورها پیشرفت کرده است."

ژوزف تیتو به منظور امضاء قرارداد دوستی، کمک متقابل و همکاری یوگسلاوی - شوروی در دوران پس از جنگ، در ماه آوریل ۱۹۴۵ به مسکو رفت. او در اواسط ژوئن سال بعد بار دیگر به شوروی سفر کرد و گفتگوهایی با استالین انجام داد. روزنامه "پراودا" در این باره نوشت که ملاقاتها "در فضای کاملاً صمیمانه و مبتنی بر درک متقابل" جریان یافت.

حزب کمونیست یوگسلاوی به اتفاق سایر احزاب برادر فعالانه راه تعمیق همبستگی این احزاب را به پیش برد و همواره روابط خود با سایر احزاب کمونیستی و بویژه کشورهای دموکراسی توده‌ای را بسط داد. ادوارد کاردلی و میلووان جیلاس به نمایندگی از جانب ح. ک. ی. در جلسه مشاوره ۹ حزب برادر که در مورخه سپتامبر ۱۹۴۷ در لستون تشکیل شد شرکت کردند. دفتر اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری (کمینفرم) در همین جلسه تاسیس شد و گروه‌های کار آن در ابتدا در

کمیته مرکزی تعجب خود را از لحن و مضمون نامه استالین و مولوتوف و توصیفات توهمین آمیز آن نسبت به عناصر رهبری ح.ک.ی. را ابراز کرد. تیتو و کاردلی به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی ح.ک.ی. اتهامات مطروحه از جانب شوروی را نادقیق و رنگامیزی شده توصیف کردند.

فقط "تسوویک" به مقابله با مضمون نامه جوابیه پرداخت و خواستار شد که انتقاد استالین مورد پذیرش قرار گیرد. همانطور که از متن صورتجلسه پلنوم آشکار است، علاوه بر تسوویک که متهم شد بدون اطلاع رهبری ح.ک.ی. اطلاعاتی نادقیق و بهتان آمیز از وضعیت حزب و کشور به سفیر شوروی در بلگراد داده است، از آندریا هبرانگ نیز بعنوان "معتبر اصلی در ایجاد بی اعتمادی نسبت به کمیته مرکزی حزب ما" نام برده شد. او در همان آوریل ۱۹۴۶ بعلت فعالیت فراکسیون، گوش به فرمانی در مقابل اتحاد شوروی در مسائل اقتصادی و بی توجهی به منافع یوگوسلاوی از هیات سیاسی کمیته مرکزی ح.ک.ی. اخراج شد.

استالین بدون آنکه منتظر پاسخ کمیته مرکزی ح.ک.ی. بماند در ۲۷ ماه مارس ۱۹۴۸ نامه‌ای از سوی کمیته مرکزی ح.ک.ی. به کمیته مرکزی سایر احزاب کمونیست عضو دفتر اطلاعاتی ارسال کرد. این احزاب طی ماه‌های آوریل و مه با ارسال مصوبه‌هایی برای کمیته مرکزی ح.ک.ی. موافقت خود را با رویه کمیته مرکزی ح.ک.ی. اعلام کردند. این امر به واکنش رهبری یوگوسلاوی منجر شد و مناسبات دو جانبه با سایر احزاب بفرنجتر از پیش شد. لغو عملی قرارداد ۱۱ فوریه ۱۹۴۸ شوروی - یوگوسلاوی در باره مستشاران که در مورخه ۲۴ آوریل صورت گرفت یک قدم جدی در تشدید وخامت اوضاع بود.

استالین پیشنهاد ارسال نماینده به یوگوسلاوی جهت مذاکره را رد کرد و گفت مسئله "اختلافات اصولی" باید در نشست بعدی دفتر اطلاعات مورد بحث قرار گیرد. کمیته مرکزی ح.ک.ی. در پاسخ مورخه ۱۷ ماه مه خود، پیشنهاد بحث را رد کرد. هلت آن بود که همه احزاب عضو دفتر اطلاعاتی در آن زمان نامه ۲۷ ماه مارس کمیته مرکزی ح.ک.ی. را دریافت

کرده بودند و بنابراین یوگوسلاوی خود را در موقعیتی نابرابر احساس میکرد. این حمل یوگوسلاوی "گذر به راه انشعاب از جبهه واحد سوسیالیستی کشورهای دموکراتیک توده‌ای و اتحاد شوروی" ارزیابی شد. دفتر اطلاعاتی در ۱۹ ژوئن به اطلاع ح.ک.ی. رساند که ح.ک.ی. در صورت داشتن تمایل به شرکت در جلسه مشاوره این دفتر باید حداکثر تا ۲۱ ژوئن هیات نمایندگی خود را به بخارست اعزام کند. کمیته مرکزی ح.ک.ی. مجدداً بر نقطه نظر خود تاکید کرد و اعلام نمود: تمام حملات قبلی علیه جمهوری توده‌ای فدراتیو یوگوسلاوی که از نخستین نامه کمیته مرکزی ح.ک.ی. آغاز شد، بیانگر آن است که تضمین یک بحث برابر حقوق در بخارست غیر ممکن است. این امر مغایر با روح وحدت و اصول مربوط به استقلال اراده است که دفتر اطلاعاتی خود را بر آنان متکی میداند. بنابراین، پیشنهاد شد مسائل مورد بحث در تماسهای مستقیم میان کمیته مرکزی ح.ک.ی. و ح.ک.ی. در یوگوسلاوی بررسی شود.

جلسه مشاوره دفتر اطلاعاتی اواخر ماه ژوئن، بدون حضور نماینده ح.ک.ی. در رومانی برگزار شد. در این جلسه قطعنامه‌ای تحت عنوان "وضعیت حزب کمونیست یوگوسلاوی" تصویب شد و در تاریخ ۲۹ ژوئن منتشر گشت. در قطعنامه یوگوسلاوی متهم شد: سیاست خارجی ح.ک.ی. با سیاست خارجی باسیاست خارجی کشورهای سرمایه‌داری یکسان ارزیابی می‌کند؛ در پشت پرده از ح.ک.ی. و اتحاد شوروی به هلت "تغییر ماهیت" انتقاد می‌نماید؛ تئوری مارکسیستی طبقات و مبارزه طبقاتی را در دوران گذار معتبر نمی‌داند؛ سیاست نادرستی در روستاها به پیش برده و از ملی کردن زمین و از بین بردن کولاکها به عنوان یک طبقه امتناع می‌کند؛ نقش طبقه کارگر را تقلیل داده و گرایشات هلاکت‌باری را در ح.ک.ی. تقویت می‌نماید؛ در آموزش مارکسیستی حزب تجدید نظر نموده و حزب را در جبهه خلق حل می‌کند؛ حق انتخاب و اصل انتقاد از خود را نپذیرفته و مقدمه یک حکومت استبدادی و تروریستی خشن را پدید می‌آورد. در قطعنامه

همچنین گفته شد ح.ک.ی. در راه ناسیونالیسم و گسستن از سنتهای انترناسیونالیستی قدم گذارده است. قطعنامه که لحنی خشن داشته و بسیار توهمین آمیز تنظیم شده بود با دعوت از نیروهای "سالم و وفادار به مارکسیسم-لنینیسم در حزب کمونیست یوگوسلاوی" به "سرنگونی رهبران کنونی و استقرار یک رهبری انترناسیونالیستی نوین" به پایان رسید.

پنجمین کنگره ح.ک.ی. (۳۱ الی ۲۸ ژوئیه ۱۹۴۸) قطعنامه مزبور را "نادقیق، نادرست و فیر عادلانه" توصیف کرد و اعلام نمود یوگوسلاوی یک کشور سوسیالیستی و متعلق "به اردوگاه سوسیالیستی با رهبری اتحاد شوروی" میباشد. در کنگره تاکید شد ح.ک.ی. عضو دفتر اطلاعاتی باقی می‌ماند، کماکان به اصول هبستگی انترناسیونالیستی وفادار است، نقش رهبری ح.ک.ی. (ب.ا.ش.) را در جنبش کارگری بین‌المللی برسمیت می‌شناسد و بر ضرورت رهبری سیاست داخلی و خارجی ح.ک.ی. با اتکال به تجارب ح.ک.ی. (ب.ا.ش.) آگاهی دارد. کنگره، کمیته مرکزی را مامور کرده همه مساهمی خود را در جهت قلبه بر اختلاف نظرات بکار برد تا روابط میان دو حزب دوباره بهبود یابد.

استالین پس از قطع روابط میان دو حزب، اقدام به متوقف کردن کامل همکاری با یوگوسلاوی در سطح دولتی کرد. مقاله پراودا در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۴۸ تحت عنوان "ناسیونالیسم گروه تیتو در یوگوسلاوی به کجا می‌رود؟" هلامت تشدید بیشتر تبلیغات ضد یوگوسلاوی بود. لحن خشن این مقاله که جای هیچ‌اما و اگری نگذاشته بود، آشکار میکرد که نویسنده مقاله که امضاء کمیته مرکزی را در زیر خود داشت، کسی جز استالین نبود. در مقاله از فراکسیون تیتو صحبت شد و گفته شد که این فراکسیون در اقلیت قرار دارد، با حزب خود در ستیز بسر میبرد، در راه دوستی با امپریالیسم گام گذارده و به دارودسته "آدمکشان سیاسی مبدل" شده است.

این مقاله پیش‌درآمد قطعنامه دومی درباره مسئله یوگوسلاوی بود که دفتر اطلاعاتی در نوامبر ۱۹۴۸ زیر عنوان "حزب کمونیست یوگوسلاوی زیر اقتدار

آدمکشان و جاسوسان" تصویب کرد. این قطعنامه ادعا میکند ح.ک.ی. به دست "دشمنان خلق، آدمکشان و جاسوسان" افتاده که قدرت را "زیر ماسک دوستی با اتحاد شوروی بنا حق به دست آورده‌اند"، افرادی که "مزدور امپریالیسم هستند" و "کاملاً با دوایر امپریالیستی همپیمان شده‌اند" و "از ناسیونالیسم بورژوازی به فاشیسم" سقوط کرده‌اند.

به این ترتیب روشن شد که مسئله برسر یک درگیری دراز مدت است. یوگوسلاوی نیز به حمله همه جانبه سیاسی و تبلیغی روی آورد. حزب کمونیست یوگوسلاوی ح.ک.ی. (ب.ا.ش.) را متهم به "قلب ماهیت دادن سوسیالیسم در اتحاد شوروی"، ایجاد یک سیستم سرمایه‌داری دولتی، تجدید نظر دکماتیستی در مارکسیسم - لنینیسم، بوروکراتیزه کردن حزب و کشور، سیاست خارجی برتری طلبانه و سلطه جویانه و اعمال فشار تهاجمی به یوگوسلاوی کرد.

پس از مرگ استالین، کمیته مرکزی ح.ک.ی. (ب.ا.ش.) و دولت شوروی شرایطی که به درگیری با یوگوسلاوی منجر شد را مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار دادند. کنگره بیستم ح.ک.ی. (ب.ا.ش.) نقض خشن حقوق و منافع یوگوسلاوی را محکوم کرده، کمیته مرکزی را مامور "تحکیم دوستی و همکاری با خلقهای برادر جمهوری فدراتیو توده‌ای یوگوسلاوی" نمود. حزب در بیانیه ۳۰ ژوئن ۱۹۵۶ کمیته مرکزی که عنوان آن "درباره قلبه بر کیش شخصیت و نتایج آن" بود، از سمتگیری استالینی و مخرب ضد یوگوسلاوی فاصله گرفت.

این تصمیمات توسط رهبری یوگوسلاوی با استقبال مواجه شد. در نتیجه مذاکرات رهبران شوروی و یوگوسلاوی در سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ در بلگراد و مسکو، اسناد مشترکی به نام "بیانیه دولتهای اتحاد شوروی و جمهوری فدراتیو توده‌ای یوگوسلاوی" در بلگراد و "بیانیه در باره روابط میان ح.ک.ی. و ح.ک.ی. (ب.ا.ش.)" در مسکو به تصویب رسید. این بیانیه‌ها امروز نیز پایه مطمئنی برای گسترش همکاری دو کشور و دو حزب به اساس برابری حقوق، استقلال و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر به شمار می‌رود...

بقیه از صفحه آخر

چین در اوایل قرن به وسیله قدرتهای امپریالیستی قطعه قطعه شده، تاراج گشته و به سرخوردگی سوق یافته بود. کشور چین با آن قدمت تاریخی بر اثر تلاطمات سیاسی درونی، فاجعه‌های طبیعی، گرسنگی و اضافه جمعیت به وضعیت رقت‌انگیزی دچار شده بود. در سال ۱۹۱۹ حزب کمونیست چین با الهام از انقلاب اکتبر و پذیرش شعارهای آن تشکیل شد. این حزب که در آن زمان هنوز هسته کوچکی را تشکیل میداد، طی سالهای بعدی، کار سخت کوشانه در میان کارگران و دهقانان را پی گرفت و در مدت کوتاهی به یک حزب با نفوذ سیاسی مبدل شد. حزب کمونیست چین دوش به دوش حزب سونیاتسن که از موضع ناسیونالیسم با امپریالیسم ژاپن در نبرد بود، در جنبش‌های بی‌بخش ملی شرکت نمود. حزب "کومیندان" بخاطر کمک‌های آموزشی و تربیت نظامی توسط افسران ارتش سرخ به یک حزب مستحکم سیاسی تبدیل شد. این حزب پس از آنکه به کمک کمونیست‌ها نیمی از کشور را از زیر سیطره ژاپن رها کرد، آتش را بر آنان گشود. در سال ۱۹۲۷ چنانکای چک دستور کشتار کارگران صنعتی شانگهای را صادر کرد. کمونیست‌هایی که جان سالم به در بردند و در میان آنها مائوتسه‌تونگ جوان به روستا گریختند و عملیات پارتیزانی را آغاز کردند. پس از دودهه بالاخره جنگ داخلی با پیروزی جنبش دمکراتیک به رهبری کمونیست‌ها خاتمه یافت.

جمهوری خلق چین از همان آغاز از پشتیبانی همه جانبه اتحاد شوروی برخوردار شد. صدها متخصص و تکنیسین و مشاور نظامی شوروی در توسعه اقتصادی و تقویت بنیه نظامی جمهوری خلق چین مشارکت کردند. اما از همان ابتدا نیز وجود اختلافات همه‌ای به چشم می‌خورد که هم‌دا از گرایشات همونیستی استالین از سویی و تمایلات ناسیونالیستی و عظمت طلبانه برخی از رهبران چین از سوی دیگر سرچشمه میگرفت. هر چند که پس از مرگ استالین حزب کمونیست اتحاد شوروی از حقوق و امتیازات خود در منچوری صرف نظر کرد اما مائوتسه‌تونگ با

برنامه‌های بی‌پروای جهش بزرگ و کمونهای خلقی، اختلاف در نگرش به ساختمان سوسیالیسم و اشکال و متدهای توسعه اجتماعی را نمایان ساخت. علاوه روش جمهوری خلق چین در ارائه مدل انقلاب چین به مثابه اصل جهانشمول و صدور انقلاب به کشورهای زیر سلطه با استراتژی بین‌المللی اتحاد شوروی در تضاد قرار گرفت. هنگامی که مائو در مراسم جشن انقلاب اکتبر گفت که از جنگ اتمی هراس ندارد و در این جنگ گرچه نیمی از مردم جهان از بین می‌روند اما امپریالیسم نیز نابود خواهد شد و انسانها دوباره

رشد خواهند کرد، در واقع سیاست همزیستی اتحاد شوروی را به سخره گرفت. در همین زمان، در شرایط پدیدار شدن بینوائی عظیم پس از ناکامی جهش بزرگ در چین، شوروی ۱۳۹۵ مشاور، آکادمیسین و مهندس خود را از چین فراخواند و به این ترتیب صدها بر نامه‌های مترقی شدند. دیگر اوضاع به وخامت گراییده بود و نمیشد انشعاب در اردوگاه سوسیالیستی کماکان در پرده نگه داشته شود. منازعه ایدئولوژیک میان مسکو و پکن سال به سال تشدید میشد. مائو خود را جانشین حقیقی لنین و پکن را مرکز کمونیسم جهانی می‌دید. خروشچف از شوینیزم مائوئیست‌ها صحبت می‌کرد و مائو سیاست اصلاحات اتحاد شوروی را کمونیسم قلابی نام گذارد. اختلافات نظری به دشمنی و احساس نفرت بدل شد. مائو کشور خود را به گرداب انقلاب فرهنگی سوق داد و هواداران جوان و پرشور او برای جنگ با "سوسیال امپریالیسم" به مرزهای شمالی رهسپار شدند و سفارت شوروی به آتش کشیده شد. در آن زمان میان مردم شوروی این اضطراب وجود داشت که میلیون‌ها چینی قادرند با اشاره مائو حرکت کنند و خاک شوروی را در نورددند. مائو نیز این نگرانی را با ادعای تعلق ۳۰۰۰ کیلومتر از خاک شوروی به چین که حکومت تزاری از چین جدا

کرده بود و در خواست انضمام خاک مغولستان به چین، تشدید میکرد. در مقابل چینیها نیز نگران حمله تانکهای شوروی به خاک چین و بمباران اتمی و بمباران موسسات صنعتی خود بودند.

مرز ۷۵۰۰ کیلومتری چین و شوروی انباشته از واحدهای نظامی دوطرف گردید. بیش از ۵۰۰۰ برخورد نظامی بر سر مرزها شد. در بهار ۱۹۶۹ یک جنگ تمام هیار بر سر جزیره‌ای در رود مرزی اوسوری در گرفت. نفس در سینه‌های مردم دو کشور حبس شد. موشی‌مین رهبر انقلاب ویتنام

دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین

هنگامی که در بالین مرگ بود از کاسیگین خواست صلح را حفظ نماید. کاسیگین به هنگام بازگشت در پکن فرود آمد. او که اجازه خروج از فرودگاه را نیافت در همانجا با چوئن لای مذاکره کرد و دو طرف قرار آتش‌بس گذاردند. اما وخامت اوضاع از بین نرفت. در سالهای ۷۰ چهره سیاسی جهان تغییر کرد. آمریکا به تدریج مناسبات خود را با چین بهبود بخشید. ابتدا کیسینجر مخفیانه به چین همزیمت کرد و سپس نیکسون آشکارا به پکن رفت و جمهوری دمکراتیک خلق چین بالاخره جایگاه خود را در شورای امنیت سازمان ملل بدست آورد.

اما دشمنی با "خرس قطبی شمال" تداوم یافت. تنگ شیائو پینگ تلاش کرد یک جبهه واحد "ضدامپریالیستی" متشکل از همه کشورهای جهان و از جمله کشورهای غربی و ژاپن به استکناهی آمریکا و تایوان علیه شوروی بسیج نماید. مبلغین چینی حتی خلق‌های اروپای شرقی را به مبارزه مسلحانه علیه "روسها" فراخواندند.

با آغاز دهه هفتاد رهبران شوروی تلاش کردند تا روابط دو کشور را هادی سازند. ورود ارتش شوروی به افغانستان مذاکرات مقدماتی را متوقف کرد. این مذاکرات از سال ۱۹۸۲ دوباره آغاز شد و منظره ادامه یافت. اما تنگ شیائو پینگ موانعی در راه گفتگوها قرار داد که در دو

امر برای شوروی‌ها فیر قابل عبور به نظر می‌رسیدند: شوروی می‌بایست ۶۰ لشکر نظامی خود در مرزهای شمالی چین را انتقال دهد؛ موشکهای اس. اس ۲۰ را از آسیای شمالی برچیند؛ حمایت خود را از حضور نظامی ویتنام در کامبوج قطع کند؛ و فوراً از افغانستان خارج شود.

نمی‌توان پذیرفت که چین در این هنگام حقیقتاً خود را از سوی شوروی مورد تهدید می‌دیده است. تنگ شیائو پینگ که در سال ۱۹۶۳ به عنوان رئیس هیئت نمایندگی چین در مسکو علیه رویزیونیسم شوروی سخن گفته بود اکنون خود به لحاظ سیاستهای اقتصادی و اصلاحی به نظرات عنوان شده در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی نزدیک شده بود.

پس از روی کار آمدن میخائیل گارباچف چرخشی حاصل شد. لی‌پنگ برای شرکت در مراسم ختم چرنینکو به مسکو رفت. گارباچف دبیرکل جدید حزب کمونیست شوروی در پیام تعینت حزب کمونیست چین با عنوان "رفیق" مورد خطاب قرار گرفت و شوروی دوباره یک کشور سوسیالیستی قلمداد شد.

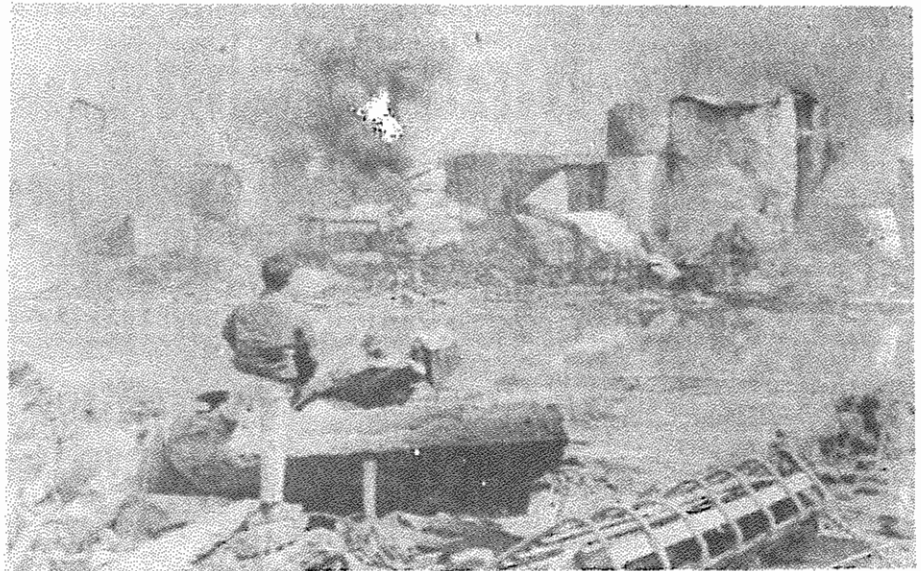
در ماه ژوئن گارباچف پیشنهاد مذاکره سران دو کشور را طرح کرد. او پیشنهاد کرد خط مرزی دو کشور همانطور که چینی‌ها همواره طلب میکردند خط وسط رود آمور و اوسوری تعیین شود. او گفت لشکریان شوروی در مغولستان بتدریج فراخوانده خواهند شد و درباره طرح پروژه‌های مشترک اقتصادی صحبت نمود و تاکید کرد که مساله افغانستان و کامبوج نیز می‌تواند حل شود.

سپس قدم به قدم در جاده تشنج‌زدایی گام گذاشته شد. پیشگامان این راه دانشجویان، هنرمندان، جهانگردان و... بودند. قرار شد متخصصین شوروی ۱۵۰ کارخانه‌ای را که سابقاً ایجاد کرده بودند ترمیم و بازسازی کنند. اکنون فراخوانی واحدهای نظامی نیز در جریان کامل است. کتاب پرسترویکای گارباچف در چین به درس‌نامه آموزشی تبدیل شده است. هر دو کشور پی برده‌اند که از کاستیهای مشابه رنج می‌برند. هر دو در نظر دارند عقب ماندگی فنی خود نسبت به غرب را جبران کنند. به این ترتیب اردوگاه سوسیالیستی وحدت خود را باز می‌یابد.

بیانیه مشترک اتحاد شوروی و آمریکا پیرامون لبنان

آن را مراعات کنند. این امر قدم بزرگی برای پایان دادن به جنگ داخلی در لبنان خواهد بود. اتحاد شوروی و آمریکا در این بیانیه از پیشنهاد جامعه کشورهای عرب مبنی بر استقرار آتش بس در لبنان و تلاش برای ایجاد جو تفاهم و آشتی ملی، حمایت کامل به عمل آورده اند.

تنها چند ساعت پس از اعلام آتش بس در بیروت در روز پنجشنبه ۱۱ آوریل، مجدداً تیراندازی ها آغاز گردید. وزیران خارجه آمریکا و اتحاد شوروی به این مناسبت بیانیه مشترکی در مسکو انتشار دادند. در این بیانیه از همه نیروهای درگیر خواسته شده است آتش بس را پذیرفته و



تصویری از ضربی مادر بیروت

اعتراض مردم و دولت ژاپن به آمریکا

ارتش آمریکا ۲۴ سال پیش یک بمب هیدروژنی با قدرت تخریب یک میلیون تی-ان-تی را در سواحل اوکیناوا در ژاپن گم کرده است. مجله "نیوزویک" که پرده از این امر برداشت، می نویسد:

این بمب هیدروژنی در روز ۵ دسامبر ۱۹۶۵ از هرشه ناو هوایی مایر تیکوندر وگا که در سواحل ژاپن پرسه می زد، به داخل آب افتاده است. دولت آمریکا این امر را مسکوت گذارده، دولت ژاپن را در جریان واقعه قرار نداده است. دولت ژاپن پیرامون این امر به آمریکا اعتراض کرد. بیش از ۵ هزار نفر از اهالی منطقه اوکیناوا نسبت به تهدید هسته ای محل زندگی خود دست به راه پیمایی زدند.

تقلب در انتخابات پاراگوئه

همانطور که در شماره گذشته گزارش کردیم، در انتخابات برگزار شده در روز اول ماه مه تقلب های وسیعی صورت گرفته است. این امر توسط اپوزیسیون در پاراگوئه اعلام شد. به هنگام شمارش آراء، تعداد آراء ۵۶ هزار عدد بیش از تعداد رای دهندگان ثبت شده در لیست ها بوده است. این به معنای افزایش بیش از ۲۷ درصد است. نیروهای اپوزیسیون اعلام کردند که به نام مردگان و یا تحت یک نام دو یا سه بار رای داده شده است. بر اساس این انتخابات حزب راستی حاکم کلرادو ۷۴/۵ درصد آرا را به خود اختصاص داده است.

۱۵/۲ میلیون بیکار

در بازار مشترک اروپا

بنا به آمار منتشر شده از سوی اداره آمار اروپا واقع در بروکسل، ۱۵/۲ میلیون انسان در دوازده کشور عضو بازار مشترک اروپا به عنوان بیکار ثبت شده اند. این رقم ۹/۴ درصد جمعیت این کشورهاست. در این آمار بیکاری پنهان و شافل نیمه وقت و کوتاه مدت در نظر گرفته نشده اند. بر این اساس معمولاً آمار واقعی بیکاری بالاتر از رقم رسمی اعلام شده تخمین زده میشود.

ترور رهبر دانشجویان

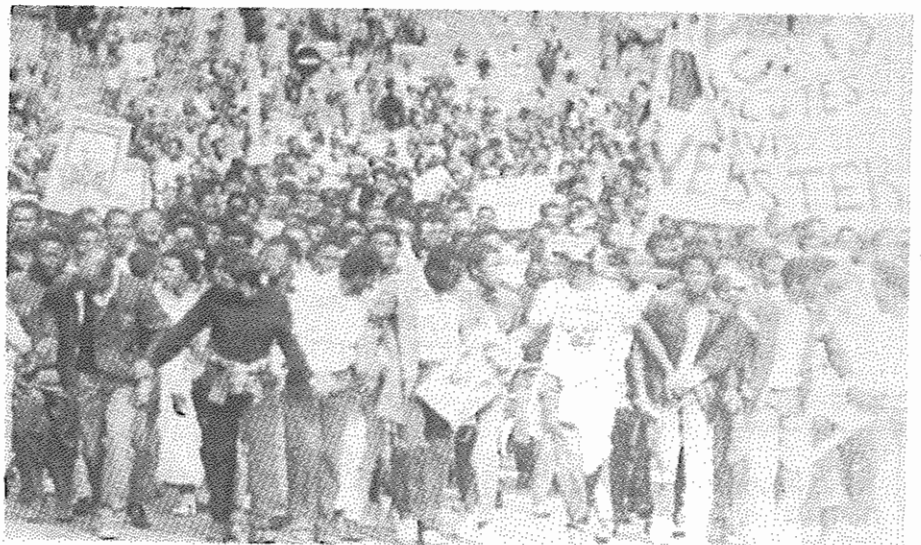
در کره جنوبی

جسد ری چهول کیو، رهبر دانشجویان مخالف رژیم کره جنوبی، چند روز پیش در سدی در نزدیکی شهر کوانگ چو پیدا شد. بر اساس مشاهدات دانشجویان آثار زخم های همیتی بر پیکر او مشهود بوده است. روزنامه های کره جنوبی پیرامون این جنایت گزارش هایی تهیه کردند.

وداع بادانیل وبستر

رسید، به راه پیمایی پرداختند. رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی با وجود اعلام وضع فوق العاده جرات ممنوع کردن راه پیمایی را نیافت.

هزاران نفر از سیاه پوستان و سفیدپوستان در روز شنبه ۶ ماه مه در خیابان های ژوهانسبورگ برای تشییع جنازه دانیل وبستر، مبارز سفیدپوستی که توسط نژادپرستان به قتل



دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین

۱۰ سال قبل پیش‌بینی این امر که روابط دو کشور به این سرهت روه بهبودود، بسیار دور از ذهن بود. تنگ‌شیاو پینگ ۱۲ سال قبل گفته بود که نه او و نه حتی رهبرانی که ۲۰ سال از او جوانترند مرکز شاهد زنده آشتی با شوروی نخواهند بود. اما تاریخ با گامهای طوفانی به پیش رفت و چند روز دیگر تنگ‌شیاو پینگ که اکنون ۸۴ ساله است با میخائیل گارباچف دست دوستی خواهد داد.

شوارنادزه وزیر امور خارجه شوروی این دیدار را نشانه درهم ریختن همیق دیوارهای موجود در سیاست خارجی دو کشور خواند.

تاریخ هفتادساله روابط چین و شوروی مملو از نقاط عطف تاریخی و تصادمات قم‌انگیز و تبلیغات دشمنانه شدید و اما نیز دوستی و رفاقت برادرانه است.

بقیه در صفحه ۱۰

میخائیل گارباچف در هفته جاری به پکن سفر خواهد کرد و با تنگ‌شیاو پینگ و سایر مقامات چین به گفتگو خواهد پرداخت.

این نخستین دیدار سران دو کشور شوروی و چین در ۳۰ سال اخیر است. یک سخنگوی وزارت امور خارجه چین توضیح داد که قرار است در مذاکرات میان گارباچف و مقامات چینی مباحثه‌ای دقیق و همه‌جانبه پیرامون مسائل متعددی صورت گیرد که شامل هادی سازی روابط میان دو کشور، مسئله کامبوج و نکات دیگر خواهد بود.

این دیدار پس از ده‌ها سال فراز و نشیب در روابط دو کشور از آن جهت که نشانه چرخشی در راستای حل و فصل مسائل فی‌مابین می‌باشد، از اهمیت تاریخی بزرگی برخوردار است.

"قایق‌های توپدار" بوش در پاناما

برای انتخابات تعیین کرده بود. سه حزب راست اپوزیسیون در ائتلافی تحت عنوان ADOC متشکل شده بودند. دولت آمریکا صد میلیون دلار برای مبارزه انتخاباتی در اختیار ائتلاف اپوزیسیون قرار داد.

تحولات در روزهای اخیر در پاناما توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب کرده است. دولت آمریکا حدود ۲ هزار سرباز به نیروی نظامی ده‌هزار نفره آمریکایی مستقر در پاناما افزوده است. کمیته ملی انتخابات، این



چند ساعت قبل از شروع انتخابات، مانوئل سولیس پالما، رئیس جمهور پاناما، آمریکا را به تهاجم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه پاناما متهم ساخت. او گفت: "آمریکا در تدارک تهاجم نظامی به پاناما است... موجودیت کشور در خطر است." دولت آمریکا از روزها قبل از انتخابات مدعی طراحی تقلب به نفع "ائتلاف رهایی ملی" حاکم شده بود.

یک دیپلمات پانامایی به خبرنگار خبرگزاری آلمان گفت: "دولت آمریکا آشکارا اپوزیسیون را مورد حمایت قرار می‌دهد و تلاش می‌کند ژنرال توریه‌گارا (که خواستار بازپسگیری کانال پاناما بر اساس قرارداد ۱۹۷۷ است) سرنگون کند." یکی از ناظران انتخابات به خبرنگار نامبرده گفته است: "آمریکایی‌ها از دموکراسی سخن می‌گویند، ولی آنچه آنها در واقع می‌خواهند، مستعمره‌ای در حاشیه کانال است."

پس از برگزاری انتخابات نتایج شمارش‌های یک‌پنجم از آراء، روز دوشنبه ۸ ماه مه اعلام شد. بر این اساس "ائتلاف رهایی ملی" ۵۰/۸ درصد و ائتلاف اپوزیسیون ۴۴/۶ درصد آراء را به خود اختصاص دادند. از این روز به بعد درگیری‌های شدید میان طرفداران دو جبهه آغاز شد. در بقیه در صفحه ۷

انتخابات را بی‌اهتبار اعلام کرده است. نیروهای نظامی کشور به حالت آماده‌باش نظامی درآمده‌اند. اکنون محافل سیاسی جهان و بویژه کشورهای آمریکایی لاتین با نگرانی به پاناما می‌نگرند. نگاهی به روند تحولات در هفته‌های اخیر می‌اندازیم:

پاناما در منطقه سوئز الجیشی بسیار مهمی قرار دارد. کانال پاناما که اقیانوس اطلس را به اقیانوس آرام وصل می‌کند، از مناطق پررفت و آمد کشتیرانی و تجارت است. اهمیت نظامی چنین منطقه‌ای همواره مورد توجه دولت آمریکا بوده است. آمریکادر طی سالهای طولانی ده‌هزار سرباز در پایگاه‌های نظامی واقع در پاناما مستقر کرده است. در سال ۱۹۷۷ قراردادی میان پاناما و آمریکا به امضاء رسید که بر اساس آن باید تا سال ۲۰۰۰ اداره کانال پاناما که در حال حاضر در اختیار دولت آمریکاست، به پاناما منتقل شود. از سال ۱۹۹۰ رئیس اداره کانال پاناما یک پانامایی خواهد بود. توجه به این قرارداد برای درک درگیری‌ها در پاناما و سیاست دولت آمریکا دارای اهمیت ویژه‌ای است.

دولت کنونی پاناما که در دست "ائتلاف رهایی ملی" (COLINA) متشکل از ۸ حزب است، روز یکشنبه هفتم ماه مه را

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر بستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	<input type="checkbox"/> يك ساله	
» ۲۴	» ۲۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
» ۵۸	» ۵۲	<input type="checkbox"/> يك ساله	
» ۱۱۵	» ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 257
MONDAY, 15 MAY 89

حساب بانکی

AUSTRIA .WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT I
NR. 02910701.650
DR.GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید